

میزگرد سه تن از فعالان حقوق زنان

همگرایی زنان در انتخابات: آری یا نه؟

ایران | 29.05.2009

میزگرد سه تن از فعالان حقوق زنان درباره‌ی همگرایی زنان برای طرح مطالبات در فضای انتخاباتی

گروه‌هایی از فعالان زنان در آستانه‌ی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، ائتلافی تشکیل داده و خواسته‌هایشان را با نامزدهای ریاست جمهوری در میان گذاشته‌اند. در میزگردی، سخنان مخالفان و موافقان این همگرایی را مرور کرده‌ایم.

ناهد نصرت، فعال زنان و عضو "شبکه‌ی همبستگی با مبارزات زنان"، ساکن آلمان،

میهن جزئی، فعال زنان و عضو دیگر شبکه‌ی همبستگی، ساکن فرانسه، و نسرین ستوده، از کنشگران کمپین یک میلیون امضا و یکی از اعضای همگرایی زنان در ایران شرکت‌گذاشته‌اند.

دوچپ‌وله: خانم نصرت، شما یکی از فعالان زنان در خارج از کشور و یکی از طرفداران اولیه‌ی کمپین یک میلیون امضاء هستید. ولی این همگرایی که الان برای طرح مطالبات زنان در فضای انتخاباتی تشکیل شده و بعضی از اعضای کمپین هم عضو آن هستند، مورد انتقاد شما و برخی دیگر از دوستان در خارج از کشور واقع شده است. محور انتقادهای شما چیست؟

ناهد نصرت: به نظر من این بسیار خردمندانه بود که جنبش زنان دست به مبارزه‌ی مدنی و فرهنگی زد و بدون هراس از برچسب رفرمیست، برای خواسته‌های حداقل خود، به روشنگری دست زد و به میدان آمد. من از حرکت زنان در جهت ایجاد کمپین یک میلیون امضا پشتیبانی کردم، چون کمپین تلاش می‌کند با بردن آگاهی به میان توده‌ی زنان و آگاه ساختن آنان نسبت به حقوق طبیعی‌شان، این را به قدرتی میان آنان تبدیل بکند. این از دید من، تلاشی پایه‌ای برای تغییرات، حرکتی جوشیده از میان زنان و خیلی با ارزش بود. اما ائتلاف اخیر همگرایی زنان برای طرح مطالبات، به نظرم اساساً با حرکت گذشته‌ی زنان تفاوت دارد و از

جنس مانورهای مردانه در عرصه‌ی سیاست است. مانورهایی که توجهی به آگاه‌رسانی توده‌ای که باید نیروی واقعی اعمال قدرت باشد، ندارد و روی سخن‌اش با افرادی‌ست که به قدرت تکیه می‌کنند. به همین دلیل هم در بیانیه‌ی ائتلافی، فقط شماره‌ی قوانینی را که خواهان اصلاح آنند، آورده‌اند و حتا به مضمون آنها هم اشاره‌ای نکرده‌اند. به نظر من، دو اشکال اساسی بر این ائتلاف وارد است. اولاً به نیروی زنان تکیه ندارد، بلکه به جای ایجاد اعتماد به نفس در زنان و توجه‌دادن آنان به نیروی همبستگی خود، زنان را به امید رئیس‌جمهور یا همان سوار نجات‌بخش می‌نشانند. در حالی که مردم به تجربه دیده‌اند که هیچ کاندیدایی تاکنون به وعده‌های داده شده یا عمل نکرده یا نتوانسته عمل کند. گروه‌های ائتلافی به چه امیدی از وعده‌ی داده نشده انتظار عمل دارند؟ مگر خواست‌های زنان در کمپین یک میلیون امضا روشن نبود؟ چرا به جای سه هزار دفترچه‌ای که برای این مانور ائتلافی پخش شد، روی همان خواست‌ها پافشاری نشد که کاندیدایی برای جلب نظر زنان آن را در برنامه‌ی تبلیغاتی خودش بگنجانند؟ آیا از آن راه، خواست‌های زنان بیشتر به میان مردم نمی‌رفت؟ چرا باید کمپین یک میلیون امضا، که خود پروژه‌ی بزرگ‌ست، یکباره کنار گذاشته شود و کارهای وسیع تدارکاتی برای پروژه‌ی دیگر به میدان بیاید؟ آیا کمپین به هدف خود رسیده بود؟

خانم ستوده، آیا این طور که خانم نصرت می‌گویند، کمپین یک میلیون امضا کنار گذاشته شده است؟

نسرین ستوده: به هیچ‌وجه. در جنبش همگرایی زنان، نمایندگانی از حرکت‌های مختلف مشارکت کردند. طبیعی است که این نمایندگان، سخنگوی تمام این حرکت هم نبودند. یعنی اگر ما قائل به وجود افکار مختلف در کمپین باشیم، نمایندگانی از طیف خاصی از کمپین در این جنبش همگرایی شرکت کردند و کمپین همچنان به جمع‌آوری امضا و تحمل فشارهایی که روز به روز دارد بر این جنبش افزایش پیدا می‌کند، ادامه می‌دهد. بنابراین، من می‌خواهم اینجا بگویم که کمپین به هیچ‌وجه تعطیل نشده است و همچنان به حیات خودش ادامه می‌دهد.

خانم نصرت، شما گفتید دو اشکال اساسی می‌گیرید. یکی این بود که قضیه‌ی کمپین را مطرح کردید. لطفاً به دومین اشکال اساسی‌تان هم اشاره بکنید تا دوستان به آن جواب بدهند.

ناهید نصرت، فعال زنان و از منتقدان طرح همگرایی زنان ناهید نصرت: البته حرف من این است که اگر کمپین تمام نشده است، پس چرا در این فضای تبلیغاتی روی خواست‌های روشن کمپین پافشاری

نمی‌شود؟ چون واقعیت این است که کمپین تمام تلاشش این است که این آگاهی را در زنان تبدیل به سیلی بکند که سدی را بشکنند. برای چه یکدفعه این کنار گذاشته شده است؟ منظور من این نیست که به کلی پایان کمپین اعلام شده است. نه! مسئله این است که چرا درست در این مرحله یک دفعه پروژه ای جدید را جایش گذاشته‌اند؟ ولی نکته‌ی دومی که به نظر من در این ائتلاف مطرح است، این است که به یک توهم در شرایط امروز ایران دامن می‌زنند. اگر زنان در حکومتی که الان وجود دارد نمی‌توانند حقیقت را بگویند، پس بهتر است سکوت کنند. در آلمان هم در زمان فاشیسم، افراد نمی‌توانستند جنگطلبی حکومت را نقد کنند، ولی به جای آن از شرکت در جنگ خودداری می‌کردند. در رژیم اسلامی ایران، نظرات مخالف نظر حاکم حتماً امکان تشکیلیابی ندارد، آزادی احزاب و بیان وجود ندارد، سانسور حاکم و سیستم آموزشی یکجانبه است. در یک سیستم تک‌حزبی و ایدئولوژیک که افراد با نظر غیرحاکم حتماً نمی‌توانند آشنا بشوند و حتماً کاندیداها هم از سانسور رد می‌شوند، حتماً اگر هیچ تقلبی هم در انتخابات این سیستم انجام نشود، می‌توان به شرکت مردم در چنین نمایشی اسم انتخابات را داد؟ به نظر من شرکت در چنین انتخاباتی استفاده از حق رای نیست، بلکه توهین به حقوق شهروندی افراد است. جنبش زنان خوب است که به فرزندان خودش پیامورد که به چیزی که به حق انسانی آنها توهین می‌کند، گردن نگذارند و نتیجه‌ی حداقلش این است که در چنین انتخاباتی به میدان نروند و به آن "نه!" بگویند. همان "نه" ای که جنبش زنان به زیبایی در سرود خودش گفته است.

خانم جزنی، شما مایلید در این زمینه پاسخی به نقد خانم نصرت بدهید؟

میهن جزنی: بله. خانم نصرت اشاره کردند که این جریان همگرایی به نیروی زنان تکیه ندارد. خیلی تعجب می‌کنم. چه طور این را می‌گویند؟ اصلاً به خاطر این نیروی زنان در سکوت مانده‌ی ترس‌خورده‌ی محروم است که این‌ها خودشان را به میان جامعه پرتاب کرده‌اند. دیگر اینکه مقایسه‌شان با آلمان، اصلاً این قیاس به قول منطق‌یون سالبه به انتفاع موضوع است. یعنی موضوعش منتفی است. اصلاً شرایط الان ما قابل مقایسه با آلمان هیتلری نیست. با آنکه حکومت‌مان فاشیستی است، شرایط اجتماعی طور دیگری است. من می‌خواهم بگویم چرا اشتباه می‌کنیم. دائم دوستان و همین خانم نصرت عزیز می‌گویند، "شرکت در انتخابات". تا آنجایی که من از اولین روز، تمام نشریات، اعلام مواضع و اعلامیه‌ی همگرایی را مطالعه کردم، مطلقاً این جمله‌ی

‘شرکت در انتخابات’ وجود ندارد. فقط گفته‌اند، می‌خواهیم از فضای انتخابات برای بردن خواست‌های خودمان به میان توده‌ها استفاده کنیم و خیلی هم جالب است که این‌ها کارهاشان را در کمیته‌های تبلیغی-ترویجی تقسیم‌بندی کرده‌اند و به میهن‌جری، فعال زنان و از امضاکنندگان بیانیه‌ی همگرایسه جهت فرستاده‌اند، به مردم، به نمایندگان و همچنین به جامعه‌ی مدنی. بنابراین، دوستان ما از این فضا به نظر من به حق استفاده کرده‌اند. چرا می‌گوییم به حق؟ ما بخواهیم و نخواهیم، سی سال است این جمهوری اسلامی برقرار است. ما بخواهیم و نخواهیم عده‌ای پای صندوق رای می‌روند، حتی اگر تحریم روشنفکران باشد، ما پنج میلیون بسیجی داریم، کافیست هر خانواده‌ی بسیجی پنج نفر را پای صندوق بفرستد، می‌توانند بیست و پنج میلیون نفر را در صفا جمع کنند. اگر منظورتان ژست جلوی خارجی‌هاست، می‌توانند اینطوری صفا را پر کنند. و اما ما بعنوان روشنفکرانی که اپوزیسیون هستیم، وقتی تحلیل می‌کنیم و می‌گوییم این حکومت همه را داغان کرده، به حرف کسی گوش نمی‌دهد، ولایت فقیه و مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان است که تعیین کننده است، باید بگوییم برای شکستن این دور باطل چه باید کرد؟ معلوم است که باید بگوییم، ما هم به عنوان زنان از این فضا به ستوه آمده‌ایم و خواست ما این است.

خانم ستوده، خانم نصرت گفتند که چرا درست در این شرایط انتخاباتی، فعالیت کمپین متوقف شده و تمام نیرو روی بحث همگرایی متمرکز شده است. در این مورد پاسخ شما چیست؟

نسرین ستوده: البته در این مورد صحبت کردیم که کمپین و جمع‌آوری امضا متوقف نشده است. منتها تا آنجایی که من متوجه سوال ایشان شدم، ایشان مطرح می‌کنند که چرا ما خواسته‌های مندرج در بیانیه‌ی کمپین را جزو مطالبات نیاورده‌ایم و مثلا گفته‌ایم به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بپیوندیم. این خواسته‌ی اصلی جنبش همگرایی است که ایران به کنوانسیون بپیوندد. ما طی سال‌های متمادی خواسته‌ی پیوستن به کنوانسیون را داشتیم و در این مورد خیلی مشکلات در ایران داشتیم. تا این که در مجلس ششم فضای ایجاد شد که پیوستن ایران به کنوانسیون به تصویب رسید، اما توسط شورای نگهبان رد شد. می‌دانید که شورای نگهبان حق وتو دارد. طبق قانون در صورت وتوی شورای نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه‌ی خودش، آن مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود، که این اتفاق شش سال پیش برای این کنوانسیون افتاد. این کنوانسیون حاوی بسیاری از خواسته‌های مندرج در بیانیه‌ی

کمپین است و الان طرح الحاق ایران به این کنوانسیون در مجمع تشخیص مصلحت است. از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که رئیس جمهور، نسرین ستوده، وکیل و فعال کمپین یک میلیون امضا و از طراحان همگرایی زنانه دلیل پست و مقامی که دارد، یکی از اعضای موثر مجمع است. من روی شخصی که الان کانیدادا باشد، صحبت نمی‌کنم. رئیس جمهور به تبعیت از پست خودش، یکی از اعضای موثر این مجمع است و به این دلیل ما فکر کردیم تمام آن مسیری را که در بیانیه کمپین می‌خواهیم طی بکنیم، که البته به جای خودش معتبر است، می‌شود در پیوستن به کنوانسیون به دست آورد و الان فرصتی است که رئیس جمهور که در محدوده‌ی اختیاراتش هم می‌گنجد، در این مورد موضع‌گیری کند. جنبش همگرایی اصلا موضع‌گیری‌ای در خصوص شرکت یا عدم شرکت در انتخابات نداشته است، ولی رئیس جمهور باید اعلام کند که آیا با پیوستن به این کنوانسیون موافق است یا نه و آیا تلاش خودش را می‌کند یا نه؟ این دو سوال مهم بود که جنبش همگرایی با کانیدادها ریاست جمهوری مطرح کرد و شما دیدید که بعضی از کانیدادها به این پرسش پاسخ دادند. اما من مایلیم که باز به یک موضوع اشاره‌ای بشود. مقایسه‌ی ایران با آلمان فاشیستی، که البته شرایط جنگی را تحمل می‌کرد، در شرایط کنونی ایران مقایسه‌ی درستی نیست. ما اگر بخواهیم مقایسه‌ای بکنیم، باید شرایط امروز را با شرایط جنگی بسنجیم، که تا دو سال اول جنگ همه متفق‌القول بودند که ایران وارد یک دفاع از مرز و بومش بشود، همه هم شرکت داشتند و بعد از آن، عده‌ای که موافق نبودند، اصلا مشارکت نکردند. ولی این اصلا یک شرایط جنگی برای ما نیست. این یک شرایط مستمر است که ما باید برای استمرار حیات خودمان فکری بکنیم. این خیلی متفاوت است و ابزار خاص خودش را طلب می‌کند.

خانم جزنی، چیزی هست که شما بخواهید به توضیحات خانم ستوده اضافه کنید؟

میهن جزنی: برمی‌گردم به سوال اولشان که گفتند چرا همان شعارهای کمپین را نبردند میان توده‌ها. باید بگویم از آنجا که نه جامعه ایستاست و نه جنبش‌ها، بنابراین شعارها و خواست‌ها یک وقت در مرحله‌ی استراتژیک است، یک وقت تاکتیکی است، یک وقت واقعا فقط مرحله‌ای است. الان ما اینجا برای انتخابات، شعار مرحله‌ای داریم که اگر این‌ها رفع تبعیض و اصلاح قوانین را بیاورند، در خود این، بسیاری از آن خواست‌های دیگر می‌گنجد. برای مثال، می‌توانم بگویم، وقتی که آقای کروی می‌آید، بیانیه‌ی درباره‌ی حقوق زنان می‌دهد،

همین که اشاره می‌کند و می‌گوید بله شورای نگهبان کنوانسیون را رد کرد و خودش هم انتقاداتی می‌کند، دست دوستان ما باز است تا بعد از انتخابات از ایشان پاسخ بخواهند. اگر دروغ گفته بودند، بعد از انتخابات با همین نوشته‌ی کتبی می‌توانند بین مردم بروند. پس این‌ها قابل تعویض است. همین خودش به مردم جرات می‌دهد و وقتی جرات داد، پا به صحنه می‌گذارند.

خانم نصرت، پاسخ شما چیست؟

ناهدید نصرت: در زمینه‌ی انتخابات حرف من یک چیز دیگر است. من می‌گویم وقتی که جنبش زنان، یا حداقل بخشی از زنان یا زنان مبارز، معتقد به این هستند که این انتخابات نیست، ولی نمی‌توانند این را اعلام بکنند و من هم انتظار ندارم که بتوانند این را اعلام بکنند، تلویحا به بازار چنین انتخاباتی دامن نزنند. از این زاویه است که من با این کار مخالفم. شما ببینید، این‌ها (نیروهای امنیتی) از یک دید و بازدید عید جلوگیری کردند، ولی سه هزار جزوه‌ی ائتلافی را گذاشتند که راحت پخش بشود. چرا دولت جلوی این را نمی‌گیرد؟ به خاطر اینکه الان نیاز دارد به جامع بین‌المللی نشان بدهد که مردم در ایران حضور دارند و این مردم هستند که باعث می‌شوند این دولت هم حضور داشته باشد. ولی مسئله‌ی من این است که زنان، آگاهانه در این بازی وارد نشوند. به خاطر اینکه آن‌ها الان این بازارگرمی را می‌خواهند، و این واقعا هیچ پشتوانه‌ای هم ندارد. آن چیزی که به نظر من ارزش دارد، مبارزه‌ی زنان و آن آگاهی‌ای است که در زنان ایجاد می‌شود، نه این مانورها. به همین خاطر هم می‌گویم، اگر دقیقا روی خواسته‌های خود کمپین در همین دوره‌ی انتخاباتی تاکید بیشتری می‌کردند، آن وقت بعضی از کاندیداها این خواسته‌ها را در برنامه‌ی خودشان می‌آوردند و می‌گفتند ما این‌ها را اجرا می‌کنیم. من نمی‌گویم که این‌ها گفته‌اند ما از فلان کاندیدا دفاع می‌کنیم. این خیلی روشن بود که این کار را نکردند، ولی تلویحا این بازار را داغ کردند. من با این مخالفم. چون به نظر من حتما اگر دولت ایران به کنوانسیون رفع تبعیض هم بپیوندد، تا وقتی مردم آگاهی نداشته باشند، آن قانون روی کاغذ فایده ندارد. کار زنان کاری پایه‌ای و برای آگاهی دادن به مردم است. به نظر من این خیلی باارزش‌تر از این است که فردا این‌ها بخواهند بگویند که روی کاغذ یک قانون تصویب شد. یعنی باز آن نتیجه را ندارد. به همین خاطر هم به نظر من قضیه‌ی وارد شدن به این صحنه‌ی انتخاباتی که بگذار بروند و مردم شرکت کنند، درست نبود. حداقل زن‌ها شرکت نمی‌کردند. من از این

زاویه این مقایسه را با زمان به اصطلاح پاسیفیستها در آلمان کردم که آنها اگر جرات نداشتند بگویند جنگ خوب نیست، حداقل شرکت نکردند. من از این زاویه می‌گویم. اصلا نمی‌خواهم این دو رژیم را مقایسه کنم. این‌ها هم اگر الان شرایطی نیست که بتوانند بگویند انتخابات آزاد نیست و مردم در این انتخابات نمی‌توانند آزادانه انتخاب کنند، حداقل تشویق به شرکت هم نکنند. به نظر من پایه‌ای‌تر این است که زنان بدانند اصلا حقوقشان در این انتخابات چیست و انتخابات چه مشخصه‌هایی می‌تواند و باید داشته باشد؟ یعنی این دادن آگاهی واقعی به مردم است. اگر این را نمی‌توانند بگویند، حداقل سکوت کنند و تلویحا به این قضیه دامن نزنند. احساس من این است که این‌ها بازی است، یعنی زنان به بازی‌ای که مردها برایشان تعیین کرده‌اند، افتاده‌اند و این رژیم می‌خواهد از آن استفاده کند و بعدهم آنها را کنار می‌گذارد.

خانم ستوده، بعنوان آخرین دور، اگر پاسخی به این بخش از بحث‌های خانم نصرت دارید یا اگر می‌خواهید جمع‌بندی از صحبت‌هایتان بکنید، ما می‌شنویم.

نسرین ستوده، وکیل و فعال کمپین یک میلیون امضا و از طراحان همگرایی زنان

نسرین ستوده: این دیدگاه هموطنان خارج از کشور ما که چطور به شما اجازه می‌دهند این کارها را در ایران بکنید، دیدگاهیست که همیشه برای ما در ایران مشکل ایجاد کرده است. الان خانم نصرت عزیز هم به این نکته اشاره کردند و به درستی گفتند جلوی دید و بازدید عید را گرفتند، ولی چطور اجازه می‌دهند سه هزار نسخه بیانی‌های ما پخش شود. درابتدای کار کمپین هم دوستان ما در کمپین این مشکل را داشتند و می‌گفتند تبلیغات عجیبی علیه ما شده است که چطور به شما اجازه می‌دهند بروید توی خیابان امضا جمع کنید؟ اما وقتی دستگیری‌ها شروع شد، کم کم سکوتی همگانی در سطح داخلی و بین‌المللی آغاز شد. من فکر می‌کنم که مهم‌ترین استراتژی ما در کار دموکراتیزه کردن جامعه خودمان این است که عکس‌العملی عمل نکنیم. یعنی من باید بگویم این عمل را انجام می‌دهم، حتا اگر من را هزار بار بازداشت کنید، چون این عمل حق من است، قانونیست که شما تصویب کرده‌اید و از آن کوتاه نمی‌آیم. همچنان که دوستان و دختران جوان ما در کمپین همین سیاست را پیش گرفته‌اند. آنها بارها و بارها به زندان افتادند، ولی گفتند ما تحقیق کرده‌ایم، کار ما قانونی است، حق ماست و از این پایین نمی‌آیم. ولی یک مسئله را حتما در نظر داشته باشید. دوستان

ما در جنبش همگرایی، مطالبات را مطرح کردند. یعنی گفتند که شما باید نظرتان را راجع به حقوق زنان در این آیتمها اعلام کنید و خوشبختانه همه‌ی آنها هم پاسخ داده شد. یعنی نسبت به اعمال فشار قضایی علیه زنان، نسبت به اصلاح قانون اساسی، نسبت به پیوستن به کنوانسیون و همین طور حقوق زنان خانه‌دار. به همه‌ی اینها پاسخ داده شد. این که فردای روز انتخابات اینها عمل می‌کنند یا نه، مسئله‌ای جداگانه و قابل بحث است. خانم نصرت اشاره می‌کنند به این موضوع که ما روی تغییر فرهنگ زنان تلاش کنیم. البته فرمایش ایشان کاملا متین است، اما راهکارش چیست؟ ما به جای اینکه به طور مشخص درخواست تغییر قوانین را داشته باشیم، آیا باید برویم سراغ تک تک زنان در جامعه و از آنها بپرسیم که حق طبیعی و عرفی شما و آن چیزی که در قانون آمده چیست؟

ناهید نصرت: همان کاری که خودتان، الان توی ایران دارید می‌کنید، همین حرکت به اصطلاح چهره به چهره. همین که در جاهای مختلف، کارگاه‌های مختلف آموزشی برای زنان برگزار می‌شود تا زنان با حقوق خودشان آشنا شوند. به نظر ناهید نصرت، فعال حقوق زنان و از منتقدان همگراییم خیلی خوب است و برای من واقعا با ارزش است که زنان پیگیرانه و بدون وحشت از این برچسب یا آن برچسب سعی می‌کنند از هر راهی برای زدن حرفشان استفاده کنند. ولی به نظر من در این راهها باید به یک چیز توجه کنیم، و آن این که پرنسپ را زیر پا نگذاریم. یکی از این پرنسپها آگاهی‌دادن به زنان است. یعنی واقعا اگر در حرکتی ما احساس کنیم که آنجا توهمی را ایجاد می‌کنیم، مثل این حرکتی که الان شد و به نظر من به نوعی این پرنسب زیر پا گذاشته شد، این را انجام ندهیم. جایی که به ما اجازه نمی‌دهند تا حقیقتی را بگوییم، سکوت کنیم بهتر است تا اینکه در یک نمایش انتخاباتی شرکت کنیم و تلویحا یکجوری به شیوه‌ی انتخابات مهر تایید بزنیم. به نظر من به جای آن در همان انتخابات باید روی حقوق مدنی‌مان پافشاری کنیم. از هر بلندگویی باید استفاده کنیم که آنجا گفته بشود که زنان چه می‌خواهند و چه می‌کنند. من بیشترین تاکیدم سر این است که ما وارد بازی‌هایی نشویم که مردها برای ما زمینه‌سازی می‌کنند و منافعی در آن دارند.

خانم جزنی، شما با نظر خانم نصرت موافقید که زنان در این ائتلاف و با این همگرایی به دام بازی‌ای مردانه افتاده‌اند؟

میهن جزنی: به هیچ‌عنوان. چون حرف خانم نصرت تناقض دارد. از یکطرف می‌گویند که باید فرهنگ و آگاهی را بین مردم ببریم. بعد الان هم

گفتند، دوستان از همین بلندگو استفاده کنند. خب، از همین بلندگو چگونه استفاده کنند؟ همین طور که به قول شما سه هزارتا نسخه چاپ می‌کنند، می‌برند آنجاهایی که این‌ها ستاد تبلیغاتی دارند، این استفاده از این بلندگوست دیگر! رنجی که من از دوستان خارج از کشور می‌برم، این حالت مشکوک بودن است که خوشبختانه این بیماری به من سرایت نکرده است که بگویم، چطور مثلا الان خانم جلوه جواهری در زندان است و چرا نوشین احمدی بیرون است؟ ابداء. این چیزها واقعا فقط به ضرر خودمان است. و آخرین مسئله، اینکه می‌گویید فرهنگ زنان را بالا ببریم. چه جوری؟ یکی از راه‌های بالارفتن فرهنگ زنان، مسئله‌ی آزمون و خطا و تجربه کردن است. بگذارید زنان ببینند که در کادر ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، این کاندیداها با اینکه در این دور حرفه‌ایی را زدند، ولی باز هم نتوانستند کاری بکنند. خب این یک‌قدم آگاهی مردم است. پس چی زیر سوال می‌رود؟ اول باید ولایت فقیه برود؟ میهن‌جونی، از فعالان حقوق زنان و یکی از امضاکنندگان بیانیه هم‌گرایان که کسی الان جرات نمی‌کند دست به ترکیب‌اش بزند. این دوستان ما دارند قدم به قدم این راه را پیش می‌برند. و بعد هم چیزی که من واقعا در سال‌های پیش خیلی از آن رنج بردم، وقتی که داریوش و پروانه فروهر، حدود ۱۲-۱۰ سال پیش، با کمال شجاعت شروع کردند با بی.بی.سی مصاحبه کردن، یک دوست قدیمی جبهه‌ی ملی منزل من میهمان بود. من گفتم، می‌بینی؟ گفت، این‌ها از خودشانند. گفتم، تو دیگر چرا این را می‌گویی که در مبارزات سال ۴۲ با فروهر بودی؟ این آدم، بی‌کله و شجاع است. و بعد که فروهر کشته شد، اینجا برایش بهترین مجلس ترحیم را گرفتند. دوستان! این توطئه‌بینی، این که چرا این‌ها اجازه‌ی چاپ سه هزار نسخه را می‌دهند، اما آنجا مثلا نمی‌گذارند کمپین امضا بگیرد، این‌ها به ضرر جنبش است. و تازه کجا زن‌ها باید جرات کنند و همین آگاهی را که شما می‌گویید، بین توده‌ها ببرند و مارک چپ و ضد خدا و مهدورالدم نخورند؟ راه دارد. من صددرصد این عمل دوستان را تایید می‌کنم. تاییدم هم از روی احساس نیست. تمامش را مطالعه کرده‌ام. نقدها را خوانده‌ام و بعد دیدم واقعا در خارج از کشور نفس ما از جای گرم بلند می‌شود و آن شعارهایی را می‌دهیم و آرزوهایی را بیان می‌کنیم که دلمان می‌خواهد، همه هم دلشان می‌خواهد. منتها باید ببینیم راه عملی‌اش چیست. پله به پله، قدم به قدم، با کدام تاکتیک می‌شود آگاهی را بین مردم ببریم. همین طور که امسال برای اولین بار است که این چیزها مطرح می‌شود، کجا در زمان انتخابات خاتمی این همه لیست از خواست‌های زنان مطرح شد؟ پس در انتخابات بعدی اگر این کاندیداها به حرفشان عمل نکردند، آنوقت ما حذف ولایت فقیه و مجمع

تشخیص مصلحت و اینها را خواهیم خواست. هر چیزی به وقت خودش.

ناهید نصرت: من می‌خواستم یک چیز را اضافه کنم. فقط می‌خواهم این را بگویم که من واقعا برای تک تک دوستانی که در ایران مبارزه می‌کنند، اهمیت قائلم و به هیچ کسی هم هیچ شکی ندارم. این را واقعا بگویم. چون ما در خارج از کشور هم این بحثها را داریم. منظور من این نیست که اینها عامل کسی یا جایی هستند یا اینکه کسانی که در زندانند، از مخالفاناند، و آنهایی که در زندان نیستند، از موافقاناند. من به هیچوجه چنین تصویری در مورد هیچ کدام از زنان و فعالان در ایران ندارم و بحث من بیشتر سر این است که در هر حرکتی که می‌کنیم، نگاه کنیم، ببینیم آیا منافع ما زنان را تامین می‌کند یا اینکه مردها در اینجا دارند منافعی را دنبال می‌کنند. من بیشتر از این زوایه گفتم و منظور من این نیست که آنان را به دولت ببندم یا از این جور چیزها. به هیچوجه چنین حق و اجازه‌ای را به خودم نمی‌دهم.

نویسنده: میترا شجاعی

تحریریه: کیواندخت قهاری